

## فهرست مطالب

|                                                                             |    |
|-----------------------------------------------------------------------------|----|
| پیشگفتار .....                                                              | ۶  |
| زندگی هدف دار .....                                                         | ۷  |
| احساس اشتیاق به کمال و گمشده فطری .....                                     | ۹  |
| کمال .....                                                                  | ۹  |
| کمال گرایی مطلوب .....                                                      | ۱۰ |
| آیا اشتیاق به کمال ودیعه الهی است .....                                     | ۱۰ |
| پاسخ به ندای درون .....                                                     | ۱۲ |
| چرا انسان به دنبال گمشده ای است .....                                       | ۱۳ |
| تحول در انسان .....                                                         | ۱۵ |
| تحول در سطح طبیعی و معمولی انسان .....                                      | ۱۵ |
| انواع تحول .....                                                            | ۱۷ |
| ۱- تحول فطری .....                                                          | ۱۷ |
| ۲- تحول اکتسابی .....                                                       | ۱۸ |
| لذت در تحول .....                                                           | ۱۸ |
| پیدا کردن موقعیت خود در جهان هستی .....                                     | ۲۰ |
| انسان برای شناسایی موقعیت خود به چه چیزهایی نیاز دارد .....                 | ۲۲ |
| ۱- آشنایی با استعداد های درونی .....                                        | ۲۲ |
| ۲- آزادی .....                                                              | ۲۳ |
| ۳- فرصت اندیشیدن .....                                                      | ۲۴ |
| ۴- پرسش از هدف آفرینش من .....                                              | ۲۵ |
| آیا انسان می تواند و اختیار دارد موقعیت خود را در نظام هستی تغییر دهد ..... | ۲۶ |
| اهداف .....                                                                 | ۲۹ |
| تغییرات اهداف .....                                                         | ۳۰ |

- جنبه های مشترک و اختصاصی هدف ..... ۳۱
- آیا هدف به دنبال انسان است یا انسان به دنبال آن ..... ۳۲
- آزاد گذاشتن انگیزه پرسش از هدف ..... ۳۳
- چه عواملی انسان را به داشتن هدف مجبور میکند؟ ..... ۳۴
- ۱- فطرت انسان ..... ۳۴
- ۲- تحرک شخصیت ..... ۳۵
- ۳- جاذبه هدف ..... ۳۵
- ۴- دانستن ((من جزئی از مجموعه هستی هستم)) ..... ۳۶
- ۵- وجود تمایل به نوگرایی ..... ۳۶
- ۶- زیستن آگاهانه ..... ۳۷
- مختصات هدف در زندگی طبیعی انسان ..... ۳۸
- ۱- مقام ..... ۳۸
- ۲- شهرت ..... ۳۹
- ۳- پول و ثروت ..... ۴۰
- مختصات هدف در زندگی عالی انسان ..... ۴۱
- ۱- تکامل شخصیت ..... ۴۱
- ۲- رسیدن به سعادت ..... ۴۳
- ۳- آزادی کمال یافته ..... ۴۴
- زندگی و حیات انسان ..... ۴۸
- ارزش حیات انسان ..... ۵۰
- حیات طبیعی محض ..... ۵۰
- عوامل بوجود آورنده حیات طبیعی محض ..... ۵۱
- علل گذر انسان از حیات طبیعی به عالی ..... ۵۳
- حیات عالی و برتر انسان ..... ۵۶
- مبداء حرکت در حیات عالی انسان ..... ۵۸
- جهت حرکت در حیات عالی انسان ..... ۵۹
- مقصد حرکت در حیات عالی انسان ..... ۶۱
- بیان مختصر حیات در قرآن ..... ۶۳

|     |                                            |
|-----|--------------------------------------------|
| ۶۹  | ..... تکامل انسان                          |
| ۷۱  | ..... تکامل عقل                            |
| ۷۲  | ..... عناصر تکامل عقل                      |
| ۷۲  | ..... ۱- وجدان پاک                         |
| ۷۵  | ..... ۲- تهذیب نفس                         |
| ۷۶  | ..... ۳- علم و دانش                        |
| ۷۷  | ..... ۴- تفکر و اندیشه                     |
| ۷۹  | ..... تکامل روح و نفس                      |
| ۸۰  | ..... روح و نفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی |
| ۸۲  | ..... نمودهای نفس در جریان زندگی انسان     |
| ۸۴  | ..... عناصر تکامل روح و نفس                |
| ۸۴  | ..... ۱- اراده انسان و یاری خداوند         |
| ۸۵  | ..... ۲- درک حقایق ذات خود                 |
| ۸۷  | ..... ۳- همت عالی انسان                    |
| ۸۸  | ..... ۴- نیت پاک                           |
| ۹۰  | ..... ۵- محاسبه خویشتن                     |
| ۹۱  | ..... ۶- هدایت ، تهذیب و خودسازی نفس       |
| ۹۴  | ..... گسترش دامنه ارزشها                   |
| ۹۶  | ..... آیا تکامل می تواند لذت بخش باشد      |
| ۹۸  | ..... رابطه عبادت با هدف و تکامل           |
| ۱۰۰ | ..... شبهه تکامل چیست                      |
| ۱۰۲ | ..... آیا وقت رابطه با خداست               |
| ۱۰۵ | ..... قرار گرفتن در جاذبه الهی             |

برای او جلوه کند باید با گذر از نگاه و حس طبیعی در زندگی معمولی به طرف زندگی برتر حرکت نماید تا شهود حقیقی را احساس کند.

### حیات عالی و برتر انسان

وقتی انسان از سطح معمولی حیات گذشته و هدف را جستجو می‌کند چون در مافوق حیات طبیعی قرار دارد نمی‌تواند پاسخ خود را در زندگی دنیوی بیابد لاجرم باید در مسیر زندگانی عالی قرار گیرد.

«حیات عالی از مرحله‌هایی شروع می‌شود و با آزادی از قیود نفسانی طی مسیر می‌کند و در مرحله والای اختیار شکوفا می‌شود پس تنها با علم و تغییر دیدگاه نمی‌توان به پیرامون محدوده عالی انسان ورود کرد.»

در جهان‌بینی توحیدی زندگی طیبه انسان سایه‌ای از کمال مطلق «خدا» است پس برای دریافت آن نیازمند پاکیزگی عقل و نفس می‌باشد انسان برای ورود در چنین حیاتی نیازمند اتصال خطوطی در راستای کمال مطلق دارد تا با شناخت و جذب آن بتواند در مسیر حقیقی گام بردارد.

حیات تکاملی انسان‌ها در مکاتب مختلف مورد بررسی قرار گرفته است هر دین و مکتبی با توجه به جهان‌بینی که دارد به آن پرداخته است، لذا مشاهده می‌کنیم در مکتب‌های مادی با توجه به دیدگاه‌هایشان، حیات برتر مورد ادعای آنها، نهایتاً به همین دنیای معمولی و محض

ختم می‌گردد.

ما با دو جریان «آن چه که موجود است» و «آن چیزی که باید باشد» روبرو هستیم حال با حذف حیاتِ «آن چه که موجود است» نمی‌خواهیم به «آن چیزی که باید باشد» برسیم قطعا هر دو حیات مکمل هم و تفکیک ناپذیر هستند حیات طبیعی سایه‌ای از حیات برتر انسانی است و یا می‌توان گفت حیات اولیه مواد خام حیات ثانویه محسوب می‌شود تا با عناصر موجود، انسان را در مسیر تکاملی عقلانی و روحی قرار دهد.

ضرورت مدیریت و هماهنگ ساختن «موجود است» و «باید باشد» در زندگی انسان‌ها احساس می‌شود و چاره آن ورود بشر به جریان اصیل زندگی می‌باشد تا با برداشتن موانع حرکتی از پیش‌روی خود جریان هدف‌دار زندگی را پیش ببرد.

شاید کسی بپرسد چرا آدمی به سمت حقیقت سوق پیدا می‌کند برای پاسخ این سوال باید سوال دیگری از او پرسید، چرا احساس می‌کنی باید از خود دفاع کنی. امکان ندارد پاسخی غیر از این دریافت کنی، دفاع از خود هدفی است که از ذات فاعلی انسان می‌جوشد نه از خارج آن. - پس چرا انسان به سمت حقیقت اشتیاق دارد جوابی جز این نمی‌تواند داشته باشد. حرکت در جهت و سمت و سوی زندگی حقیقی در ذات انسان وجود دارد و با اصول و قوائد خود در حال جوشش و حرکت است.

و در نهایت حیات عالی انسان را چنین می‌توان تعریف کرد:

«زندگی هدفمندی که حرکات معمولی انسان در زندگی طبیعی را ، با رشد اختیار گونه خود ، با ابزارهایی مانند دین و عقل سلیم در مسیر تکاملی نسبی در درون نظام هستی قرار داده تا انسان را که به تدریج در این مسیر ساخته می‌شود را ، وارد بالاترین هدف آفرینشی نماید.»

### مبدا حرکت در حیات عالی انسان

مبدا حرکت در زندگی یک فرد، زمانی شروع می‌شود که او از قلمرو طبیعی توانسته باشد عبور کند در حقیقت ابتدای حرکت همان نقطه آگاهی انسان به این مسئله است که هیچ یک از آن چیزی که برای افراد انسانی هدف جلوه می‌کند قدرت اشباع تمام خواسته‌های شخصیت انسانی او را ندارد بنابراین این آگاهی، خود، محرکی می‌باشد در جریان ابتدای حرکت و تحول در تمام شئون آدمی. وقتی فطرت انسان عدم رضایت از جریان طبیعی زندگی را احساس کرد من درونی او فریاد خواهد کرد که این کارزار که در حرکت است نمی‌تواند یک مقصد عالی‌تر و پایدارتر برای من ترسیم کند.

ابتدای زمان شروع را به هیچ وجه نمی‌توان تعیین کرد آیا در دوران کودکی، جوانی، یا در چه زمانی و در چه شرایطی نمودار خواهد شد معلوم نیست شاید در دوران کهنسالی یا پیری. حتی زمان شروع مبدا را با مختصات طبیعی و محیطی فرد هم نمی‌توان تعیین کرد شاید یک آگاهی لحظه‌ای از یک پدیده،

یا یک تلنگر در یک موقعیت مناسب روانی و روحی، باعث انگیزه‌ای برای شروع شود در صورتی که در یک شرایط متفاوت همین حادثه، می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد.

در کل نمی‌توان زمانی برای شروع تعیین کرد ولی می‌توان با رفتارهای مناسب اجتماعی، عاطفی و همچنین با اهمیت دادن به آموزش و تعلیم، زمینه رشد افراد جامعه را فراهم کرد دنباله این توجهات برداشتن گام نخست در زندگانی اعلای انسانی و مبداء حرکت خواهد شد.

### جهت حرکت در حیات عالی انسان

جهت حرکت از آن لحاظ مهم و با ارزش است که می‌تواند در به ثمر رساندن هدف نقش قابل توجهی داشته باشد در بحث سمت حرکت پدیده زمان و مکان نمود و معنای بیشتری پیدا می‌کند هر چند مانند یک جسم نمی‌تواند بعد و امتداد داشته باشد و قابل تجزیه به واحد های دارای بعد هندسی باشد. مجموعه حیات مانند احساس، اختیار و افکار همه از مقوله های کیفیت هستند و ابعاد جسامانی قابل لمسی ندارند.

ما می‌توانیم جهت را با یک عده نقاط و ابعاد تجزیه کنیم و برای آن طول و عرض تعیین کنیم، مثلاً امروز صبح از ساعت ۸ تا ۱۲ سر کار بودم و مانند اینها، جهت در این مقوله در طول زمان انجام پذیرفته

است همه این پدیده‌ها ناشی از اجزاء طبیعی در روابط بین آنها است. سمت و جهت حرکت را نمی‌توان به یکباره بدست آورد انسان هزاران فعالیت را در طول عمر خود انجام می‌دهد و همه آنها نه به صورت یکجا بلکه یکی پس از دیگری در حال تحرک افراد، در ایام عمرشان به آنها اضافی می‌شود.

راننده زندگانی «**شخصیت**» در جهت‌دهی فعالیت افراد به سمت زندگانی اصیل نقش قابل توجهی دارد شخصیتی که عالم به علم و تکامل یافته باشد می‌تواند تمام علل جهت‌دهی انسان را تحت اختیار خود درآورد، آنها را اصلاح کند و در امتداد زندگی به ثمر برساند. البته حرکت در امتداد زندگی بعد مسافتی و محسوسی ندارد بلکه هر لحظه که از مبداء شروع شود جهت‌دهی و مقصد آن پیموده می‌شود آن هم با کیفیت غیر محسوس.

چنانچه در کتاب «**زهرالربیع**» نقل شده است :

روزی حضرت موسی (علیه السلام) در مناجات با خدا عرض کرد:

**الهی، کیف وصل الیک؟ قال الله قصدک لی وصلک الی**

**خداوند؛ چگونه به درگاه ربوبی تو برسم؟ خداوند فرمود :**

**«قصد رسیدن به من خود رسیدن به من است.»**

این یعنی مبداء و مقصد به یک معنا منتهی می‌شود.

بنابراین در جریان زندگی، انسان مرحله به مرحله از مبدائی با جهت مشخص، به سمت مقصد در حال تکاپو است و این تکرار می‌شود و هر

چه جلوتر می‌رود انسان کاملتر می‌شود لذا سمت فعالیت در زندگی هدف‌دار برای انسان تکامل است که هر لحظه تکامل او کاملتر می‌شود

### مقصد حرکت در حیات عالی انسان

هدف نهایی، از ابتدای شروع یک تحول برای رسیدن انسان به حقیقت سرچشمه می‌گیرد انتهای یک شروع، ابتدای یک فعالیت و جوشش جدید محسوب می‌شود اگر ابتدایی بر یک حرکت داشته باشیم و انتها و مقصدی برای آن مفروض نباشد یعنی عملاً هدفی در کار نیست وقتی هدف نداشته باشیم جهت و مقصد حرکت آدمیان مفهومی ندارد بنابراین انتهای فعالیت در زندگی می‌تواند هدف‌دار بودن آن حیات را اثبات نماید.

وقتی سمت زندگی انسان اشباع لذا یذ طبیعی باشد لزوماً انتهای کارزار او در آن نهفته است اما اگر شروع جوشش و تحول در آن و جهت حیات در سمت مطلوب‌های ناب و حقیقی قرار گیرد قطعاً انتهای ایده‌آل‌های آدمی نتیجه‌ای جز زندگی اصیل و معرفتی در پی نخواهد داشت.

« زندگی هدف‌دار در جریان نظام هستی ، هیچ مطلوبی جز هدف اعلای زندگی را نمی‌شناسد و ارزش‌ها و پدیده‌های دیگر را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آن مطلق تلقی می‌نماید هر چقدر در قلمرو حقیقی زندگی پیشروی کند ارتباط حیات انسان با خداوند را که مافوق جریان هستی هست را بهتر درمی‌یابیم. »